

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فیش منیر

بعثت و اهداف آن

«بعثت» انقلاب بزرگ برضد جهل، گمراهی، فساد و تباهی است. و سزاوار منت گذاری خداوند و در بردارنده حکمت و تربیت است. بحث درباره آن گسترده و عمیق و از زوایای مختلف قابل بررسی است.

این نوشتار تلاش دارد تا این مطالب را به صورت بسیار فشرده، مورد پژوهش قرار دهد:

الف - آغاز بعثت .

ب - نخستین آیات نازل شده .

ج - منت گذاری خداوند به خاطر نعمت بزرگ بعثت .

د - فلسفه و اهداف بعثت .

### الف - آغاز بعثت

سرآغاز تاریخ اسلام از روزی شروع می شود که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله درخوت محبوب، در دل غاری که در دامن کوهی در شمال مکه بود، صدایی شنید:

«ای محمد! بخوان! (او شگفت زده) گفت: چه بخوانم؟ گفت: ای محمد!

«اقرا باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرا و ربك الاكرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم یعلم»<sup>(۱)</sup>.

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. همان که انسان را از خون بسته ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی دانست، یاد داد<sup>(۲)</sup>.

جربرئیل به حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

«ارسلنی الله الیک لیتخذک رسولا»<sup>(۳)</sup>

خداوند مرا به سوی تو فرستاده است، تا تو را پیامبر این امت قرار دهم.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله هر ساله مدتی به کوه «حرا»<sup>(۴)</sup> می رفت و به عبادت و راز و نیاز و تفکر می پرداخت تا این که روزی فرشته ای به او گفت: ای محمد! بخوان! محمد صلی الله علیه و آله گفت: چه بخوانم؟ فرشته آیات آغازین سوره علق را بر وی قرائت کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آن ها را خواند<sup>(۵)</sup>.

تاریخ نگاران با آن که تلاش فراوان در ثبت رویدادهای تاریخ اسلام، به ویژه تاریخ زندگی پیامبراسلام صلی الله علیه و آله داشته اند، تا آن جا که به جزئیات رفتارها، روش ها و منش های آن حضرت اشاره نموده اند، اما بسیار جای تاسف است که برخی از رویدادهای مهم و اساسی، مانند: تاریخ ولادت، مبعث و معراج، مکان معراج، تاریخ رحلت، تاریخ تغییر قبله و موارد دیگر با دقت ثبت نشده و اختلاف هایی را میان مورخان برانگیخته است که شاید منشا اختلاف را بتوان در اغراض سیاسی یا بی توجهی به مسائل موجود، اجتهادهای شخصی و از همه مهمتر، روگردانی از ابواب علم پیامبر صلی الله علیه و آله و نیاموختن مفاهیم از سرچشمه زلال اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و موارد دیگر جستجو نمود.

آغاز بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله چه زمانی است؟ دیدگاه معروف و مورد اتفاق شیعه امامیه ۲۷ رجب است. اما در میان دانشمندان اهل سنت، در زمان دقیق آن اختلاف زیادی است. برخی از اهل سنت مبعث را در رمضان و برخی دیگر در ربیع الاول دانسته اند. در مورد روز مبعث نظریات متفاوتی ارائه شده است :

۱۷- ۱-رمضان: طبری در تاریخ الرسل و الملوک و ابن سعد در طبقات الکبری<sup>(۱)</sup> به این قول اشاره نموده اند .

۱۸- ۲-رمضان: ابن اثیر در الکامل فی التاریخ<sup>(۲)</sup> این دیدگاه را به ابوقلابه عبدالله بن زید جرمی - از محدثان اهل سنت - نسبت داده و طبری<sup>(۳)</sup> نیز بدان اشاره نموده است .

۱۹- ۳-رمضان: ابن اثیر به این دیدگاه نیز اشاره نموده است<sup>(۴)</sup> .

۲۰- ۴-رمضان: یعقوبی در تاریخ خود روایت کرده است که ده روز مانده به آخر رمضان، در روز جمعه پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد<sup>(۵)</sup> .

۲۴- ۵-رمضان: طبری در این باره چنین می نویسد: «وقال آخرون: بل انزل لاربع وعشرين ليلة خلت منه ؛<sup>(۶)</sup>» برخی گفته اند: قرآن در شب ۲۴ رمضان نازل شده است .

۲۵- ۶-رمضان: علامه طباطبایی<sup>(۷)</sup> این دیدگاه را به برخی از محققان و مفسران اهل سنت نسبت می دهد .

منشا اشتباه این چند دیدگاه که آغاز نزول نخستین آیات قرآن را ماه رمضان می دانند، این است که قائلین، میان زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و زمان نزول دفعی قرآن به عنوان کتابی کامل و مستقل خلط کرده اند؛ چون آن ها برای تاریخ بعثت به آیاتی استدلال کرده اند که ناظر به نزول قرآن در شب قدر و ماه رمضان می باشد<sup>(۸)</sup>. زیرا خداوند می فرماید :

«انا انزلناه فی لیلة القدر<sup>(۹)</sup>»

«ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم»

و نیز می فرماید :

«شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن<sup>(۱۰)</sup>»

«ماه رضانی که قرآن در آن نازل شده است.»

بنابراین قرآن در شب قدری که در ماه رمضان است، نازل شده است .

این استدلال صحیح نیست؛ زیرا این آیات ناظر به نازل شدن تمام قرآن به عنوان یک کتاب مستقل و کامل است که از آن، به «نزول دفعی» تعبیر می کنند؛ درحالی که در آغاز بعثت تنها چند آیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است، (پنج آیه آغازین سوره علق) که خود آغاز «نزول تدریجی» است. درنتیجه، زمان نزول قرآن با زمان نازل شدن تمام قرآن به عنوان کتابی کامل و مستقل فرق دارد .

۳- ۷-ربیع الاول: حلبی این نظر را روایت کرده است<sup>(۱۱)</sup> .

۸- ۸-ربیع الاول: ابن اثیر از ابن عبدالبر نقل کرده است: بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه ۸ ربیع الاول دسال ۴۱ از عام الفبا، بده است<sup>(۱۲)</sup> .

۱۰- ۹ ربیع الاول: مسعودی می نویسد: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله به ۴۰ سالگی رسید، در روز دوشنبه ۱۰ ربیع الاول خدای عزوجل او را بر همه مردم مبعوث کرد<sup>(۱۸)</sup>.

۱۲- ۱۱ ربیع الاول: این، نظر کسانی است<sup>(۱۹)</sup> که بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در روزی که پیامبر به چهل سالگی رسید، دانسته اند و چون تولد آن حضرت بنا به دیدگاه اکثر اهل سنت، ۱۲ ربیع الاول است، بعثت آن حضرت نیز در همین روز است.

۲۷- ۱۲ رجب: این، دیدگاه معروف شیعه است که عده ای<sup>(۲۰)</sup> از دانشمندان ادعای اجماع و اتفاق علمای مذهب شیعه بر آن را نیز نموده اند و به دلایلی، صحیح ترین دیدگاه می باشد. از جمله این که روایاتی از امامان معصوم علیهم السلام در این زمینه وارد شده است که ضمن تعیین تاریخ بعثت، به اعمال مستحبی مانند روزه در این روز نیز سفارش شده که نمایشی از عظمت و گرامی داشت این روز است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«و لا تدع صیام یوم سبعة و عشرين من رجب فانه هو الیوم الذی انزلت فیہ النبوة علی محمد و ثوابه مثل ستین شهرا<sup>(۲۱)</sup>»

روزه ۲۷ رجب را ترک نکنید؛ زیرا روزی است که نبوت بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است و ثواب روزه آن روز مانند ۶۰ ماه روزه گرفتن است.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«خداوند محمد صلی الله علیه و آله را جهت رحمت جهانیان به نبوت برگزید. کسی که در این روز روزه بگیرد، خداوند روزه ۶۰ ماه را برای او ثبت می کند<sup>(۲۲)</sup>».

در وسائل الشیعه ۷ روایت در این زمینه ذکر شده است<sup>(۲۳)</sup>.

روایاتی از اهل سنت نیز همین تاریخ را تایید می کنند، از جمله در سیره حلبی از ابوهریره نقل شده است که گفت: کسی که روز ۲۷ رجب را روزه بگیرد، خداوند ۶۰ ماه روزه، برای او ثبت می کند. «و هو الیوم الذی نزل فیہ جبرائیل علی النبی صلی الله علیه و آله بالرسالة و اول یوم هبط فیہ جبرائیل<sup>(۲۴)</sup>» و این، همان روزی است که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر رسالت نازل شد و نخستین روزی بود که او فرود آمد.

## ب - نخستین آیات

همانگی آغاز بعثت با نازل شدن نخستین آیات قرآن کریم، باعث شده است تا مورخان، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و حدیث به بررسی و تعیین نخستین آیات نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازند. دیدگاه هایی در این باره وجود دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- پنج آیه نخست سوره علق.

۲- سوره فاتحة الكتاب<sup>(۲۵)</sup>.

۳- سوره مدثر<sup>(۲۶)</sup>.

دیدگاه نخست پرطرفدارترین دیدگاه در میان مورخان، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و حدیث می باشد. از میان مورخان؛ مسعودی<sup>(۲۷)</sup>، ابن هشام<sup>(۲۸)</sup>، ابن اثیر<sup>(۲۹)</sup>، طبری<sup>(۳۰)</sup>، و یعقوبی در کتاب های خود و از میان مفسران شیعه، صاحبان تفاسیر: تبیان، مجمع البیان، المیزان، نمونه و از میان مفسران اهل سنت؛ صاحبان تفاسیر: طبری (که حدود یازده روایت در این باره ذکر می کند)، درالمنثور، انوارالتنزیل و اسرارالتاویل (معروف به تفسیر بیضاوی) و تفسیرالقرآن العظیم جزو طرفداران این نظریه هستند.

از میان کتاب های علوم قرآنی می توان به «الاتقان»<sup>(۳۱)</sup>، «التمهید فی علوم القرآن»<sup>(۳۲)</sup>، «البرهان»<sup>(۳۳)</sup>، و... اشاره نمود.

افزون بر آن که، مضمون آیات نخست سوره علق نیز این دیدگاه را تایید می کند؛ چون رسالت و نبوت که از بزرگ ترین نعمت های الهی است، در این سوره با اسم رب شروع می شود و از آفرینش، دانش و قلم که مهم ترین مفاهیم و معارفند، در این سوره سخن به میان می آید.

مهم ترین دلیل این است که روایات رسیده از امامان معصوم علیهم السلام آیات آغازین سوره علق را نخستین آیات نازل شده در غار حرا می دانند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اول ما نزل علی رسول الله صلی الله علیه و آله بسم الله الرحمن الرحیم، اقرا باسم ربک؛»<sup>(۳۴)</sup> «...نخستین چیزی که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، «...اقرا باسم ربک...» بود.

امام هادی علیه السلام نیز فرمود: جبرئیل به محمد صلی الله علیه و آله گفت:

«اقرا قال: و ما اقرا قال: اقرا باسم ربک الذی خلق»<sup>(۳۵)</sup>.

طبری<sup>(۳۶)</sup> از علمای اهل سنت در تفسیر خود، ۱۱ روایت و سیوطی<sup>(۳۷)</sup> ۱۵ روایت نقل می کند، مبنی براین که در آغاز بعثت نخستین آیات سوره علق بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

طرفداران دیدگاه دوم اندک است. صریح ترین کسی که در این زمینه سخن گفته، «زمخشری» در تفسیر «کشاف»<sup>(۳۸)</sup> است: «اکثرالمفسرین علی ان الفاتحة اول ما نزل»؛ بیشتر مفسران برآنند که سوره فاتحه نخستین چیزی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

با آن که بیش تر مفسران دیدگاه اول را پذیرفته اند، نسبت دادن این قول به بیش تر مفسران، ناصحیح به نظر می رسد.

دیدگاه سوم روایتی است که از جابر<sup>(۳۹)</sup> نقل شده است. اگرچه هرکدام از این دو دیدگاه ممکن است طرفداران اندکی نیز داشته باشند، اما در برابر سیل نظریات مورخان و مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و نیز روایات فراوانی که به برخی از آن ها اشاره شد و نیز ادعای اجماع امت<sup>(۴۰)</sup> مسلمان - چنان چه برخی ادعا کرده اند، نسبت به دیدگاه اول - به سادگی نمی توان آن را رها کرد و از کنار آن گذشت.

ممکن است با تحلیلی دقیق تر گفته شود که این سه دیدگاه باهم تفاوتی ندارند و بدین صورت قابل جمع هستند که آیات نخست سوره علق اولین آیاتی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و سوره فاتحه نخستین سوره کاملی است که پس از آن، نازل شد و سوره مدثر نخستین سوره ای است که پس از فترت وحی نازل شد.

### ج - بعثت و منت

در نفس انسان نیازها و غرایز گوناگونی قرار داده شده است که همگی طالب ارضا و هدایت صحیح هستند. خداوند متعال برای هدایت انسان، بهترین ابزار را در اختیار او قرار داده و امکانات متعددی به او عطا کرده است، تا هم بتواند نیروی خود را صرف ارضای نفسانات کند و هم با امکانات و نیروی داده شده، حله خواهش، های، نفسان، را بگرد و کشش، های، درون،



را تحت نظم و ضابطه در آورد. دو راهنما نیز در اختیار او قرار داده است تا حق را از باطل و سره را از ناسره متمایز کند؛ یکی در درون انسان که عقل است - اگر چه ابزارهای ظاهری مانند محسوسات و اندام های حسی نیز درهدایتگری این راهنما دخالت دارند. - و دیگری پیامبران الهی که این راهنما از طریق وحی برای انسان فرستاده می شود تا تمام رفتارها را به انسان بیاموزد و حدود و مقررات آن را نیز روشن نماید، چون عقل دارای خطا و نقصان است. برترین هادی، آن است که دارای مقام عصمت و مرتبط با وحی باشد؛ تنها راه آن، بعثت است. پس بعثت بزرگ ترین نعمت خداوند بر بشر است و جادارد که خداوند براین نعمت منت گذارد و این احسان و نیکویی را به رخ آنان بکشد، چنان که می فرماید :

«لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين»<sup>(٤١)</sup>

خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید)، هنگامی که در میان آن ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن ها بخواند و آن ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد و البته پیش از آن در گمراهی آشکار بودند .

خداوند در آیه فوق به خاطر بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر مؤمنان منت می نهد و این نعمت بزرگ و معنوی را به رخ آنان می کشد .

ممکن است کسی تصور کند که منت گذاری، کار صحیحی نیست، چرا خداوند در این جا منت می گذارد؟ مگر بعثت چه ویژگی هایی دارد و هدف از آن چیست؟

واژه منت از «من» به معنای چیزی است که با آن وزن می کنند (سنگ کیلو) . و نیز به معنای نعمت سنگین و با عظمت نیز به کار می رود. بنابراین هر نعمت سنگین و گرانبهایی را منت گویند. کاربرد این واژه دو گونه است: قولی و فعلی .<sup>(٤٢)</sup>

اگر کسی عملاً نعمت بزرگی به دیگری بدهد، این همان منت عملی است که بیشتر در مسائل تربیتی و هدایتی و معنوی کاربرد دارد و پسندیده و ارزنده است. که برخی گفته اند: این منت مختص به خدای متعال است. اگر کسی کار کوچک خود را با سخن گفتن بخواهد به رخ دیگری بکشد و آن را بزرگ جلوه دهد، کاری است بسیار زشت، که این از منت های بشری است. در نتیجه، منت گذاری بر بخشیدن نعمت های بزرگ که از جمله آن ها نعمت رسالت است، منتی زیباست و «من الله» یعنی انعم الله؛ خداوند نعمت بزرگی بخشید و در اختیار مؤمنان قرار داد. چنان که در جای دیگر خداوند به خاطر هدایت کردن انسان ها به ایمان، بر آن ها منت می گذارد. «بل الله يمن عليكم ان هداكم للايمان»<sup>(٤٣)</sup>

اگر مسلمانان به خاطر پذیرفتن اسلام، مشکلات و خسارت های زیادی متحمل شده اند نباید فراموش کنند که خداوند بزرگ ترین نعمت را در اختیار آن ها گذاشته و پیامبری مبعوث کرد تا انسان ها را تربیت کند و از گمراهی ها باز دارد. بنابراین هر اندازه برای حفظ این نعمت بزرگ تلاش و کوشش شود و هر بهایی پرداخته شود، بازهم ناچیز است<sup>(٤٤)</sup>.

بنابراین می توان گفت: منت بر دو قسم است: پسندیده و نا پسند. منت پسندیده مانند منت در آیه مورد بحث و نیز منت خداوند بر هدایت کردن مؤمنان به سوی ایمان (سوره حجرات، آیه ١٧) و نیز مانند منت خداوند بر موسی و هارون (سوره صافات، آیه ١١٤) به خاطر نبوت، رسالت و نجات آن ها و منت گذاری خداوند بر حضرت یوسف به خاطر به حکومت رسیدن او (سوره یوسف، آیه ٩٠) و منت ناپسند و نکوهیده مانند منت گذاری و به رخ کشیدن انفاق، که باطل کننده انفاق نیز می باشد. (سوره بقره، آیه ٢٦٢) و به رخ کشیدن اسلام و ایمان به خداوند یا پیامبر (یا دیگران) (سوره حجرات، آیه ١٧) .

از آن جا که کارهای انسان در برابر عظمت خداوند و کارهای او بسیار ناچیز است، هرگونه منت گذاری انسان ها بر یکدیگر و بر خداوند ناپسند است. «اللهم اجر لئناس علی یدی الخیر و لا تمحقه بالمن»<sup>(٤٥)</sup>

چرا خداوند فرمود: «علی المؤمنین» و نام مؤمنان را به تنهایی آورده است، با این که بعثت پیامبر برای هدایت عموم بشر است؟ شاید بدین جهت باشد که هدایت پیامبران از جهت تاثیر و نتیجه تنها متوجه مؤمنان است که از این نعمت بزرگ بهره مند می شوند و آن را به خود اختصاص می دهند<sup>(۴۶)</sup>.

## د- فلسفه و اهداف بعثت

پس از قرن ها تحقیق و بررسی درباره مسائل دینی، هنوز پرده از اسرار بسیاری از آن ها برداشته نشده است، که از جمله آن ها اسرار نهفته نبوت و بعثت است؛ اگرچه از ظواهر آیات قرآن می توان استفاده کرد که بعثت پیامبران الهی، به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دارای اهدافی می باشد که بیان خواهد شد و تنها در آیه مورد بحث که خداوند بر مؤمنان منت گذارده است، به سه برنامه از مهم ترین آن ها اشاره شده است :

«یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة»

## ۱- تلاوت آیات الهی

«یتلو» از واژه «تلاوت» به معنای پی در پی آوردن، پیروی کردن و خواندن با نظم است،<sup>(۴۷)</sup> که شامل پیروی کردن در حکم و خواندن منظم آیات الهی همراه باتدبر نیز می شود، گویا تلاوت کننده از آیات پیروی کرده یا حروف و کلمات را در پی یکدیگر قرار داده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با خواندن آیات پروردگار و آشنا ساختن گوش دل و افکار مردم با این آیات، آن ها را آماده تربیت می نماید، که مقدمه تعلیم و تربیت است .

## ۲- تربیت

یکی از مهم ترین برنامه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تربیت انسان هاست. تربیت به معنای فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب است<sup>(۴۸)</sup>. او باید زمینه ها را برای شکوفا نمودن استعدادها آماده کند، استعداد های خلیفه الله شدن که دارای ابعاد مختلف است. او باید انسان ها را آماده کند تا از نظر عملی بهترین رابطه را با خدای خود (عبادات)، با هم نوع خود (عقود و ایقاعات)، با قوانین و مقررات اجتماعی (حکومت و سیاست)، با خانواده خود (حقوق خانوادگی) و با نفس خود (اخلاق و تهذیب نفس) داشته باشند، تا بتوانند مسجود فرشتگان قرار گیرند. پیامبر صلی الله علیه و آله منجی بشریت است. یکی از دانشمندان فرانسوی می گوید: «بزرگ ترین قانون اصلاح و تعلیم و تربیت همان حقایقی است که به نام وحی، قسمت به قسمت بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و امروز به نام قرآن در بین بشر است<sup>(۴۹)</sup>».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدتی کوتاه، انسان هایی بزرگ، مانند علی علیه السلام زهرا علیها السلام سلمان فارسی، ابوذر، مقداد و... را تربیت کرد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله کاشف معدن های نهفته انسانیت بود. زیرا «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضة» ; مردم مانند معدن های طلا و نقره هستند .

انسان دارای استعداد های نهفته است که برای بهره وری صحیح از آن، نیاز به کشف آن می باشد تا به ارزش حقیقی خود دست یابد .

کلمه «یزکیهم» از ماده «زکوة» و زکاء» به معنای رشد و زیادی است<sup>(۵۰)</sup>، که در این جا به معنای تربیت و پاکسازی است و شامل پاک شدن از آلودگی های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری می باشد. اگرچه واژه تربیت ازماده «ربو» نیز به معنای افزایش و فو است، اما در قرآن کریم مفهوم تهذیب نفس با واژه تزکیه آمده است :

«قد افلح من زكيتها»<sup>(۵۱)</sup>

«قد افلح من تزكي»<sup>(۵۲)</sup>

«رستگار شد کسی که خود را تزکیه کرد.»

که در جنبه های روحی و معنوی است. واژه تربیت در قرآن در جنبه های جسمانی و مادی به کار رفته است، نظیر:

«الم نربک فینا ولیدا»<sup>(۵۳)</sup>

«آیا در دوران کودکی تو را در میان جمع خود تربیت نکردیم؟»

که سخن فرعون است که خود را مربی موسی معرفی می کند، یعنی از نظر جسمانی و امکانات مادی تو را بزرگ کردم. اهمیت اخلاق و تزکیه نفس برکسی پوشیده نیست. جوامع مختلف به آن نیازمندند، زیرا تنها راه نجات از گمراهی ها، فسادها، جهل، جنگ و خونریزی ها و... در پرتو اخلاق صحیح و آراسته شدن به ارزش ها و مکارم اخلاقی است. پیامبراسلام صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خود را کامل کردن مکارم اخلاق بیان کرده است:

«بعثت لاقم مکارم الاخلاق»<sup>(۵۴)</sup>

من برای کامل کردن فضایل اخلاقی مبعوث شده ام.

یکی از دانشمندان فرانسوی می گوید: «ای محمد! ای آورنده قرآن! کجایی؟ بیا و دست ما را بگیر و به باغ و صحرا و چمن و به هر جایی که خواهی ببر. تو اگر ما را به میان دریا ببری، خواهیم رفت، زیرا تو عالم به حیات و زندگی ما هستی»<sup>(۵۵)</sup>!

پی نوشتها:

۱-سوره علق، آیه ۵- ۱.

۲-بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۶.

۳-همان، ص ۱۸۴.

«-۴حرا» نام کوهی است که در شمال مکه قرار دارد. در نقطه شمالی آن غاری است که ارتفاع آن به قدر یک قامت انسان است. قسمتی از داخل غار با نور خورشید روشن می شود و قسمت های دیگر آن در تاریکی است. (ر.ک: فراهایی از تاریخ پیامبراسلام) (ص)، ص ۹۲.

۵-تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۶۲.

۶-طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۹۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴ و الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۰.

۷-الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۰.

۸-تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴.



۹-الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۰.

۱۰-تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰.

۱۱-تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲.

۱۲-تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۱۹.

۱۳-همان؛ سیره نبویه، ج ۱، ص ۲۳۹ و تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۶۸.

۱۴-سوره قدر، آیه ۱.

۱۵-سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۱۶-سیره حلبی، ج ۱، ص ۳۸۴.

۱۷-تاریخ پیامبراسلام (ص)، آیتی، ص ۸۴.

۱۸-همان، ص ۸۴، به نقل از: «التنبیه و الاشراف»، ص ۱۹۸.

۱۹-التمهید، ج ۱، ص ۶۸، به نقل از سیره حلبی، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲۰-از جمله: علامه مجلسی در بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۹۰ واز معاصرین: آیه الله سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۳۲ و آیه الله معرفت در تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۶۶.

۲۱-وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۲۹، ابواب صوم مندوب، باب ۱۵.

۲۲-فروع کافی، ج ۴، ص ۱۴۹.

۲۳-وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۲۹، برای اطلاع بیش تر به کتاب «موسوعة التاریخ الاسلامی»، شیخ محمدهادی یوسفی غروی، ج ۱، ص ۳۸۰ مراجعه شود.

۲۴-سیره حلبی، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲۵-مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۰.

۲۶-همان.

۲۷-مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲۸-سیره نبوی، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲۹-الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۲.

۳۰-تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵.

۳۱-الاتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۹۵ .

۳۲-تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۸۴ .

۳۳-برهان، بدرالدین زرکشی، ج ۱، ص ۲۰۶ .

۳۴-اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۸ .

۳۵-بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۰۶ .

۳۶-جامع البیان فی تاویل القرآن (تفسیر طبری)، ابوجعفر محمدبن طبری، ج ۱، ص ۶۴۶ .

۳۷-درالمنثور، سیوطی، ج ۵، ص ۵۶۲ .

۳۸-کشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۷۷۵ .

۳۹-صحیح مسلم، شرح النووی، ج ۲، ص ۲۰۵ .

۴۰-تلخیص التمهید، ج ۱، ص ۷۸ .

۴۱-سوره آل عمران، آیه ۱۶۴ .

۴۲-مفردات راغب، واژه «من .»

۴۳-سوره حجرات، آیه ۱۷ .

۴۴-مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۷۵ .

۴۵- ۴۶- ۴۷-تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۵۸؛ مفاتیح الجنان، دعای مکارم الاخلاق؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲۹؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۷۵

۴۸-تعلیم و تربیت اسلامی، (مبانی و روش ها)، ص ۴ .

۴۹-در منگهم Dermnghem، دانشمند فرانسوی، به نقل از بانک تکبیر (بعثت بنوی)، ص ۲۸۳ .

۵۰-مفردات راغب، واژه «زکا .»

۵۱-سوره شمس، آیه ۸ .

۵۲-سوره اعلی، آیه ۱۴ .

۵۳-سوره شعراء، آیه ۱۸ .

۵۴-بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۷۲ .

۵۵-ژان ژاک روسو، J. Rosseev، دانشمند معروف فرانسوی، به نقل از بانک تکبیر (بعثت نبوی . )